

بر اساس دیدگاه امام خامنه‌ای چه عواملی انقلاب اسلامی را شکل داد؟

پیروزی انقلاب اسلامی یک پدیده بزرگ در تاریخ معاصر ایران است و مانند هر پدیده‌ای، علت‌هایی در پیدایش آن مؤثر بوده‌اند. علت‌هایی که به عناصر تشکیل‌دهنده انقلاب اسلامی باز می‌گردند. در واقع علل انقلاب اسلامی عناصری هستند که به‌صورت یک سلسله واقعیت‌های عینی، در پیدایی یا شتاب‌زایی و پیروزی و استمرار آن تأثیر قابل توجه داشته‌اند. بررسی دیدگاه‌های گوناگون درباره علل انقلاب اسلامی نشان می‌دهد، بیشتر تحلیل‌ها و تفسیرهای ارائه‌شده، به‌ویژه از سوی نویسندگان غربی، براساس بینش محدود در یک مقطع زمانی و بدون توجه به زمینه‌های پیچیده عقیدتی و ریشه‌های تاریخی انجام گرفته است. این نکته نیز اهمیت دارد که تحلیل‌گران سیاسی عمدتاً غربی، در زمینه تحولات عمیق ایران، بیشتر از سقوط شاه و علل آن سخن گفته‌اند و به پدیده‌های مثبت آن، که عمدتاً پیروزی انقلاب اسلامی است، کمتر پرداخته‌اند. با توجه به آنچه گفته شد، در این نوشتار، براساس دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب، علل و عوامل اصلی انقلاب اسلامی در سه حوزه دسته‌بندی و توضیح داده می‌شود. این سه حوزه عبارت‌اند از:

- علل و عوامل شکل‌گیری انقلاب (که در حدوث و شکل‌گیری انقلاب اسلامی در ایران نقش داشته‌اند)؛
- علل و عوامل پیروزی انقلاب (که در پیروزی بر نظام حاکم و سقوط آن نقش اصلی را ایفا کرده‌اند)؛
- علل و عوامل بقا و تداوم (که سبب بقا و استمرار انقلاب در مرحله‌ی پس از پیروزی شده‌اند)؛

طبقه‌بندی علل انقلاب اسلامی کاری است بس مشکل که از رابطه تنگاتنگی که بین عوامل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مذهبی وجود دارد، سرچشمه می‌گیرد؛ زیرا هر عامل اقتصادی یا مذهبی در نهایت در ایجاد یک پدیده سیاسی، به عامل سیاسی تبدیل می‌شود و کلیه عوامل پدیده‌های سیاسی، به هر شکل و با هر خصوصیت، سرانجام سیاسی شمرده می‌شوند.

۳. فساد طبقه حاکم

رهبر حکیم انقلاب، فساد حکومت پهلوی را از جمله علل اصلی شکل‌گیری انقلاب اسلامی می‌دانند و در توضیح این فساد و ابعاد آن می‌فرمایند: «آن حکومت، اولاً فاسد بود؛ فساد مالی داشتند؛ فساد اخلاقی داشتند؛ فساد اداری داشتند. در فساد مالی‌شان همین بس که خود شاه و خانواده او در بیشتر معاملات اقتصادی کلان این کشور داخل می‌شدند. خود او و برادران و خواهرانش، جزه کسانی بودند که بیشترین ثروت‌اندوزی شخصی را کردند. از لحاظ اخلاقی هم فاسد بودند. باندهای تبهکار معاملات قاچاق، زیر دست برادران و خواهران این شخص قرار داشتند. از لحاظ مسائل اخلاقی و جنسی، چیزهایی هست که گفتن و شنیدنش عرق شرم بر پیشانی انسان می‌آورد... از لحاظ فساد اداری هم، رو به تباهی بودند. در مدیریت‌ها، صلاحیت‌ها را رعایت نمی‌کردند؛ وابستگی‌های به خودشان و دستورات سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی بیگانه را ملاک قرار می‌دادند و کسانی را سرکار می‌آوردند.»^۱

۴. وابسته و غیرمردمی بودن حکومت

یکی از علل و عوامل شکل‌گیری رخداد انقلاب اسلامی را باید در وابسته و غیرمردمی بودن رژیم پهلوی جست‌وجو کرد. رهبر انقلاب در تشریح این خصوصیت رژیم که منجر به انقلاب مردم علیه آن‌ها شد، می‌فرماید: «آن‌ها وابسته بودند. وابستگی‌شان به‌خاطر این بود که از مردم به‌کلی بریده بودند. برای حفظ حکومت خودشان، خود را ناچار می‌دانستند که به خارجی‌ها متکی شوند. رضاخان را انگلیسی‌ها سر کار آوردند که جزء تواریخ مشخص و مسلم و روشن است. محمدرضا را هم انگلیسی‌ها تثبیت کردند. بعد از دوره حکومت دکتر مصدق، کودتا را آمریکایی‌ها به راه انداختند و البته از دست انگلیسی‌ها ربودند و آن‌ها خودشان تسلط پیدا کردند. این‌ها در اغلب امور این کشور، وابسته بودند.»^۲

معتقدند اگرچه مردم از اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی موجود در رژیم گذشته ناراضی بوده و آن را حس می‌کردند؛ اما آنچه بیش از همه این‌ها مردم را رنج می‌داد، بی‌توجهی نظام حاکم به ارزش‌ها و عقاید اسلامی و توهین به سنن و آداب و رسوم اسلامی بود. وابسته بودن حکومت پهلوی، سلطه فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و نظامی قدرت‌های بیگانه، به‌ویژه آمریکا بر این کشور و وابستگی کامل و شدید حکومت پهلوی به غرب و آمریکا را به دنبال داشت که این امر هم خود در شکل‌گیری انقلاب و شوریدن جامعه علیه نظام حاکم و نظم مستقر، تأثیری شگرف و غیرقابل انکار داشت. رهبر انقلاب در توضیح چگونگی تأثیر این عامل در وقوع انقلاب می‌فرماید:

«وقتی یک ملت، زیر سلطه فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و نظامی یک قدرت بیگانه باشد، مجال رشد و حرکت در سمت مورد آرزوی خود را پیدا نمی‌کند. هر موجود زنده‌ای می‌خواهد رشد کند. اگر شما بخواهید جلو رشد یک گیاه را بگیرید، آن طرفی را که در اطراف او جلو رشد می‌کند، می‌شکنند و آن سنگ را می‌شکافد تا رشد کند. یک انسان و یک ملت هم همین‌گونه است. راهی که قدرتمندان برای اینکه این احساس و انگیزه را در یک ملت از بین ببرند، اندیشیده‌اند، بی‌حس کردن، بی‌خیال کردن و تخدیر کردن ملت‌هاست. این



امیرالمؤمنین حضرت امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «يَا بَنِي الرَّزْقِ رِزْقَانِ؛ رِزْقٌ تَطْلُبُهُ وَرِزْقٌ يَطْلُبُكَ فَإِنْ لَمْ تَأْتِهِ أَتَاكَ»؛ رزق، بر دو نوع است؛ رزقی که تو آن را طلب می‌کنی و رزقی که او تو را طلب می‌کند که اگر تو به سراغ او نروی، او خودش به سراغت خواهد آمد.

آن رزقی که دنبال شما می‌آید، حلال و طیب و طاهر است؛ اما آن رزقی که شما دنبال آن می‌روید، مواظب باشید حلال باشد؛ چون ممکن است راه برای تحصیلش حرام یا حلال باشد. باید مراقب بود.

منظور از اینکه خدا رزق همه را تضمین کرده، ممکن است این باشد که اقتضای آن را در وجود همه قرار داده؛ ولی باید خودشان تلاش کنند تا به فعلیت برسد.

قوه را خدا داده، باید تلاش کنیم تا به فعلیت برسد؛ به‌تعبیر دیگر استعداد را خدا داده؛ ولی باید تلاش کنیم تا به شکوفایی برسد؛ مثال: اقتضای علم در وجود همه هست؛ لکن بعضی‌ها می‌روند دنبال آن و این اقتضا را به فعلیت می‌رسانند، عالم، مهندس و دکتر می‌شوند و بعضی‌ها هم ادامه تحصیل نمی‌دهند؛ مثال دیگر: اقتضای رشد و تهذیب، در همه هست و همه می‌توانند، از اولیاءالله بشوند. این اقتضا در وجود من هست؛ اما دنبال آن نرفتم و خودم عقب افتادم. ما اقتضای آن را به شما دادیم، هم در امور مادی و مالی و هم در معنویات؛ ولی شما دنبال آن نرفتید.

• رزق روحی و رزق جسمی

رزق دو قسم است: رزق روحی و رزق جسمی. همان‌طور که جسم انسان محتاج به غذاست، روح نیز به غذا احتیاج دارد.

یکی از مقدمات ارزاق روحی، رفع حجاب‌های بین روح می‌باشد. حیات و ارزش انسان به روح ملکوتی او وابسته است؛ نه به روح نباتی یا روح جمادی و یا روح حیوانی؛ هرچه روح ملکوتی، منوّتر و روشن‌تر باشد، قریش به حضرت احدیت بیشتر می‌شود و مقامات معنوی‌اش بالاتر می‌رود و درنتیجه به عالم ماده بیشتر احاطه پیدا میکند. این یک قاعده کلی است.

به سلمان فارسی توجه کنید که ۹ درجه از ایمان را داشت و دارای چه مقامات والایی بود. تا جایی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد ایشان می‌فرماید: «سلمان مَثَا اهل‌البیت؛ سلمان از ما اهل‌بیت است.»

همان‌طور که هرچه رزق جسم تأمین شود، نفس ما بهتر و بیشتر از مادیات استفاده کند، روح ما نیز از عبادات تغذیه می‌کند و در نتیجه با تکامل آن، قریش به حق بیشتر می‌شود.

انسان باید تلاش کند تا حجاب‌های ظلمانی‌اش را برطرف کند؛ چون هریک از گناهان، حجاب ظلمانی بزرگی بین ما و معارف الهی و معرفت به ولایت شده است؛ البته معرفت به ولایت هم مراتبی دارد؛ چنانکه اصحاب ائمه علیهم السلام هم این-طور بوده‌اند و میزان علائق و اطاعت و محبت آنها به ولایت، یک‌نواخت نبوده و تفاوت داشته‌اند. هرچه حجاب ظلماتی کمتر باشد، معرفت و قرب به ولایت و مراتب توحید بیشتر می‌شود.

در روایت آمده است که امام صادق علیه السلام فرمودند: «هرکس که با ذکر «أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ أَتُوبُ إِلَيْهِ» استغفار کند، خداوند هفتاد درجه ثواب به او می‌دهد.»

کمی حواسمان را جمع و تلاش کنیم، عبادات و استغفارهای ما و نماز ما منظم باشد تا مشمول رحمانیت و رحیمیت حضرت حق شویم.

امام سجاد علیه السلام در دعای مکارم الأخلاق از خداوند متعال می‌خواهد که: «اللّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاكْفِنِي مَكُونَةَ الْاِكْتِسَابِ، وَارْزُقْنِي مِنْ غَيْرِ اِكْتِسَابٍ، فَلَا أَشْتَغِلُ عَنْ عِبَادَتِكَ بِالظَّلْطِ، وَلَا أَخْتَمِلُ إِصْرَ ثَغِيَابِ الْمَكْسَبِ.

اللّهُمَّ فَاطِلِبِنِي بِقُدْرَتِكَ مَا أَطْلُبُ وَأَجْزِنِي بِعُزَّتِكَ مِمَّا أَرْهَبُ؛ خدایا، بر محمد و آل او درود فرست و مرا از کسب رنج-آور روزی بی‌نیاز گردان و از جایی که گمانش نمی‌رود روزی مرا ده، تا به‌سبب طلب روزی، از عبادت تو باز نمانم و بارِ گران پیامدهای [ناگوار] کسب روزی را به دوش نکشم.

اعزام مبلغان مؤسسه دارالزهراء علیهها السلام به روستاهای بخش قمرو د استان قم

مبلغان مؤسسه دارالزهراء علیهها السلام تحت اشراف دفتر آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی رحمته الله علیه به‌صورت هفتگی در روستاهای بخش قمرو د استان قم، به فعالیت تبلیغی می‌پردازند.

به گزارش خبرگزاری حوزه، هیئت‌المؤسسه دارالزهراء علیهها السلام تحت اشراف دفتر مرحوم آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی رحمته الله علیه به‌صورت هفتگی به روستاهای بخش قمرو د از توابع استان قم اعزام و به فعالیت تبلیغی می‌پردازند.

روستاهای تبلیغی مبلغان مؤسسه دارالزهراء علیهها السلام عبارت است از: روستای ملک‌قلعه، روستای شتلاق البرز، روستای قلعه‌سلطان باجی و روستای باغ‌نو کنار شش امامزاده.

با این اعزام فعالیت‌های متعددی انجام می‌شود که از جمله می‌توان به برگزاری نماز جماعت، برگزاری حلقه‌های معرفت دانش آموزی، عبادات از بیماران، برگزاری کلاس آموزش روان خوانی قرآن، ارتباط با اهالی روستا و... اشاره کرد.



آن عوامل، خود یک بحث طولانی و علمی و مفصلی است؛ اما آن چیزی را که انسان می‌تواند به‌عنوان روح و رقیقه موجود در همه این عوامل معرفی و به آن اشاره کند، توجه به خدا، انجام تکلیف الهی و قیام لله (برای خدا قیام کردن) است. درست است که ممکن بود، انگیزه‌های گوناگونی در ذهن بعضی از افراد باشد (فرض بفرمایید مبارزه با دیکتاتوری رژیم طاغوت و مبارزه با فساد)، همه این‌ها درست است. این انگیزه‌ها در ذهن همه بود و جزء مؤثرات این انقلاب هم بود؛ لیکن علت کارایی همین عوامل و مؤثرها هم این بود که با روح دینی و با احساس تکلیف همراه بود.»^۳

ایشان در تبیین رابطه لازم و ملزومی این سه عنصر اصلی با یکدیگر می‌فرمایند: «اگر کسی به خدا تکیه کند؛ اما از خود حرکتی نشان ندهد، بی‌فایده است و اگر کسی حرکت و قیام کند؛ اما به خدا تکیه نکند، باز هم به مقصد نمی‌رسد. قیام لله و قیام بالله و تکیه به خدا، عامل پیروزی و موفقیت است.»^۴

در ارتباط با علل و عوامل شکل‌گیری انقلاب اسلامی از دید رهبر فرزانه انقلاب، می‌توان در یک جمع‌بندی، با اتکا به سخنان ایشان چنین گفت: «ملت ایران از فشار دیکتاتوری رژیم دست‌نشانده از یک طرف، فشار زندگی از یک طرف، فشار تحمیل فرهنگ فساد از یک طرف و سلطه خارجی و به‌طور مشخص عوامل و عناصر آمریکایی از یک طرف، به ستوه آمده بود. این خشم عمومی و این انگیزه عمومی از ایمان مذهبی ملت ایران به‌طور کامل سیراب شد و معنا پیدا کرد. این خشم عمومی، خشم کور نبود، انگیزه تعریف‌نشده نبود، مردم می‌فهمیدند که چه می‌خواهند و چه کار می‌خواهند بکنند و این، بر اثر تعلیمات اسلامی بود. حرکت طلاب جوان و فضلاء وزین به دنبال رهبری بی‌نظیر امام بزرگوار رحمته الله علیه در طول سال‌های متمادی این خودآگاهی را در ملت ایران به وجود آورده بود که این وضعیت برای یک ملت و یک کشور مایه سرافکندگی است و این وضعیت قابل تغییر یافتن است و فقط هم به دست خود مردم ممکن است، تغییر پیدا کند. این را مردم به‌درستی فهمیده بودند.»^(*)

• پی‌نوشت‌ها

- بیانات در دومین روز از دهه مبارکه فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان)، ۱۳ بهمن ۱۳۷۷؛
- سخنرانی در دیدار با ائمه جمعه، علما، مسئولان و اقشار مختلف مردم نیشابور، قصرشیرین، سرپل‌ذهاب، گیلان‌غرب، نفت‌شهر، سومار، رشت، خدابنده و قیدار و جمعی از روشندان و گروهی از زائران پاکستانی، ۳ آبان ۱۳۶۸؛
- بیانات در دومین روز از دهه مبارکه فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان)، ۱۳ بهمن ۱۳۷۷؛
- همان؛
- بیانات در دیدار پرسنل نیروی هوایی در دانشگاه هوایی شهید ستاری، ۱۹ بهمن ۱۳۷۸؛
- بیانات در دومین روز از دهه مبارکه فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان)، ۱۳ بهمن ۱۳۷۷؛
- بیانات در دیدار پرسنل نیروی هوایی، ۱۹ بهمن ۱۳۸۳؛
- سخنرانی در مراسم بیعت جمع کثیری از مردم استان همدان و شهرهای ساری و ساوه، ۵ تیر ۱۳۶۸؛
- بیانات در دیدار مردم استان قم به‌مناسبت سالروز قیام ۱۹ دی، ۱۹ دی ۱۳۸۳.

✽ مرکز اسناد انقلاب اسلامی